



غاده السمان

شاعر و نویسنده معاصر عرب

مقدمه

فائزه احمدی
کارشناس ارشد
زبان و ادب فارسی
دبیر دبیرستان‌های
شهریار
و مدرس دانشگاه
آزاد شهریار

زنان یونانی را شاید بتوان طلایه‌داران شعر زنانه دانست و اشعار سوفو^۱ و بیلیتیس^۲ را نیز از مقدمات شعر زنان. شعر زنانه سرشار از شوره، لطافت، زیبایی و قدرت است. کلامی که گاه بر مرکب صراحتی گستاخانه سوار می‌شود و با ظرافتی معصومانه پیش می‌تازد تا خود را به مخاطب خویش نزدیک کند. غاده السمان، در معنای دقیق کلمه شاعر و نویسنده‌ای روشن فکر است. وی از مشکلات جهان امروز عرب، مسئله فلسطین، زن عرب، استعمار نو در جهان سوم و همه تحولات جدید، درکی ژرف و صحیح دارد. در جهان عرب، تنها شاعر و نویسنده‌ای که زنانه می‌نویسد و می‌سراید، خانم غاده السمان است. شاید بتوان او را از پرکارترین زنان اهل قلم در جهان عرب به شمار آورد و نیز یکی از آگاه‌ترین افراد به مسائل زنان عرب دانست. درخشش او چه در عرصه شعر و چه در داستان‌نویسی ممتاز است و بیش‌تر آثارش به زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده است.

معرفی غاده السمان

غاده السمان نویسنده، شاعر و متفکر سوری در سال ۱۹۴۲

چکیده

زنانه‌گویی با از زن گفتن بسیار متفاوت است شاید این تفاوت را بتوان میان شاعران مرد و زن که در این مقوله شعر گفته‌اند، احساس کرد.

کشور سوریه سرزمین شاعران موفقی است که هریک می‌تواند سبکی نو در ادبیات عرب و نیز ملل خلق کند. غاده السمان، وزیر زاده‌ای که شاید بتوان او را یکی از ممتازترین شاعران عرب دانست، نویسنده‌ای است که آثارش به چندین زبان زنده دنیا ترجمه شده است و بی‌شک در عرصه شعر زنانه در میان ملل عرب افتخاری به شمار می‌آید. یکی از درس‌های کتاب تاریخ ادبیات ایران و جهان (سال سوم رشته ادبیات و علوم انسانی) به ادبیات داستانی معاصر عرب اختصاص دارد که در آن معرفی بسیار کوتاهی از خانم غاده السمان در کنار سایر نویسندگان مشهور عرب آمده است. این مقاله درصدد آن است که ضمن معرفی کامل شخصیت و آثار خانم غاده السمان، گرایش‌های نوین وی را در عرصه داستان و شعر بیان کند.

کلید واژه‌ها:

غاده السمان، ادبیات داستانی عرب، شعر زنانه عرب، گرایش‌های زنانه.

غاده‌السمان
در اشعار و
قصه‌های خود،
آزادی را در حق
انتخاب می‌داند؛
حتی اگر این
انتخاب، انتخاب
قید و بند باشد.
او به سنت‌های
جامعه عرب
اعتراض می‌کند
و تقابل سنت
و مدرنیته در
اشعار او دیده
می‌شود

شعر این بانوی
عرب، همواره
خواننده را
با حادثه‌ای
پیش‌بینی‌ناشده
در کلام و بیان
روبه‌رو می‌کند.
غاده‌السمان
سال‌های
پراشوب بیروت
را با تمام وجود
لمس کرده است

می‌لادی در دمشق از پدر و مادری سوری متولد شد. پدرش احمدالسمان رئیس دانشگاه سوریه و وزیر آموزش و پرورش بود. نخستین کارهای غاده تحت نظارت و تشویق‌های پدرش در نوجوانی به چاپ رسید. وی تحصیلات دانشگاهی را در رشته ادبیات انگلیسی تا مقطع دکتری ادامه داد. مدتی نیز در دانشگاه دمشق به عنوان استاد سخن‌ران کار می‌کرد اما برای همیشه از این شغل دست کشید و به کار مطبوعات روی آورد. او در زمان حاضر در مجله عربی «الحوادث» به عنوان ستون‌نویس (columnist) به صورت هفتگی قلم می‌زند و صفحه ویژه او با نام «لحظات رهایی» طرف‌داران فراوانی دارد. غاده یک مؤسسه انتشاراتی نیز تأسیس کرده است و تنها آثار خود را منتشر می‌کند.

او در سال ۱۹۶۹ میلادی با بشیرالداعوق، که صاحب انتشارات «دارالطلیعه» و استاد دانشگاه و مدیر سابق بانک است، ازدواج کرد. حاصل این ازدواج پسری به نام حازم است که در کنار پدر و مادرش اکنون در پاریس زندگی می‌کند. «به تو اعلان عشق می‌کنم» که در سال ۱۹۷۶ میلادی به چاپ رسید، مجموعه قصه‌ای است که او را به عنوان یک زن نویسنده به جهان معرفی کرد. غاده‌السمان زنی است که در قصه‌هایش از دردها و رنج‌های مردم لبنان سخن رانده و با هویت زنانه‌اش اشعاری ساده و فصیح را با درون‌مایه‌ای منحصر به فرد به جهان تقدیم کرده است. «کوچ بندرهای قدیمی» مجموعه‌ای قدیمی که در سال ۱۹۷۳ به چاپ رسید، حکایت رنج و سختی مردم لبنان است. غاده‌السمان در عرصه‌های مختلف ادبی فعالیت دارد اما بیش‌تر به عنوان نویسنده شناخته شده است. وی رمان «کابوس‌های بیروت» را در سال ۱۹۷۶ میلادی به چاپ رساند. مجموعه قصه «ماه چهار گوش» او در سال ۱۹۹۸ از سوی دانشگاه آرکانزاس آمریکا برنده جایزه ادبی شد و رمان دیگرش با نام «بیروت ۷۵»، به زبان اسپانیولی، در سال ۱۹۹۹ میلادی جایزه ملی اسپانیا را به خود اختصاص داد.

آثار غاده‌السمان

از میان آثار او به شعر و نشر، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مجموعه داستان‌ها

۱. عیناک قدری (۱۹۶۲) (چشمانت سرنوشت من است)
۲. لایجر فی بیروت (در بیروت دریایی نیست)
۳. لیل الغربا (شام غریبان)
۴. رحیل المرافیءالقدیمه (۱۹۷۳) (کوچ بندرهای قدیمی)
۵. بیروت ۷۵ (۱۹۷۵)
۶. کوابیس بیروت (۱۹۷۶) این مجموعه به چند زبان از جمله روسی و آلمانی ترجمه شده است.

مجموعه شعرها

۱. حب (۱۹۷۳) (عشق)
۲. اعلنت علیک الحب (۱۹۷۶) (بر تو اعلان عشق کردم)
۳. اشهد عکس الریح (۱۹۸۷) (شهادت می‌دهم برخلاف باد)
۴. رسائل الحنین الی الیاسمین (۱۹۶۶) (غم‌نامه‌ای برای یاسمن‌ها)
۵. عاشقه فی مبحره (۱۹۹۵) (زنی عاشق در میان دوات)
۶. القلب نورس وحید (۱۹۹۸) (دل، چلچله دریایی تنهایی است)
۷. الابدیه لحظه حب (۱۹۹۹) (ابدیت لحظه عشق)

بسیاری از منتقدان عرب از خواندن آثار غاده‌السمان شگفت زده شده و مطالبی چند بیان کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توانیم به این موارد اشاره کنیم:

محمد مهدی الجواهری^۲ می‌گوید: «من از آن‌چه غاده‌السمان می‌نویسد سخت در شگفتم. آثارش را خواندم، مبهوت شدم و به خود بالیدم که جهان عرب زنی نویسنده در این سطح دارد. من از آثار زنان عرب و دیگران بسیار خوانده‌ام، اما چیزی برتر از نوشته‌های غاده‌السمان نیافته‌ام» (السمان، ۱۳۵۸: ۱۰). شهید غسان کنفانی^۴، غاده را زنی نویسنده و ممتاز معرفی می‌کند. ولادیمیر شاگال^۵ درباره او می‌گوید: «می‌توان قصه «دو ساعت و کلاغ» نوشته غاده‌السمان، نویسنده سوری (که آن را به روسی ترجمه کرده‌ام)، را می‌توان نمونه‌ای درخشان از توجه ادب عرب به موضوعات جدید دانست که زاینده تحولات اجتماعی است. در این جا قصه عشق و وظیفه با آن‌چه در داستان‌های کلاسیک عرب موجود است، فرق دارد... این زن نویسنده در به وجود آوردن شخصیتی جذاب برای جوانی عرب و انقلابی موفق بوده است.»

(فرزاد، ۱۳۸۶: ۱۰)
سلمی الخضراء الجیوسی^۶، غاده‌السمان را نمونه‌ای شگفت‌انگیز از جرئت و مبارزه دلیرانه در وطن عربی می‌بیند. به نظر سلمی، خدمت غاده به زن بسیار عظیم و وسیع بوده است؛ زیرا وی معتقد است که در نوشته‌های او، زن از دست خود، هراس‌ها و جهلش نسبت به حقوقی که سال‌ها از او دریغ شده کرده‌اند، آزاد شده است و اینک می‌تواند تصمیم‌گیری کند.

رجا النقاش^۷ نیز در آثار غاده‌السمان روحی را جست‌وجو می‌کند که با شجاعت، مقاومت و اسرار می‌خواهد برای خرد و ملت خود جایی در جهان باز کند.

شعر غاده‌السمان

شعر غاده‌السمان، بیان‌گر مشکلات جهان امروز عرب از زاویه دید یک زن است. او اشعاری سیاسی درباره فلسطین و بیروت دارد که در آن‌ها به‌طور مستقیم به مسائل لبنان و فلسطین پرداخته است.

در شعرهای او که حول محور عشق اند، نگاهی انسان دوستانه جریان دارد. او با نگرشی اجتماعی به جامعه‌اش عشق را تصویر می‌کند. غاده‌السمان یک زن روشن فکر است که نسبت به جنگ و خشونت‌های انسانی دیدگاه خاصی دارد و حضورش در سرزمین عرب یک موهبت محسوب می‌شود. واژگانی که غاده در شعرهایش به کار می‌گیرد، مملو از احساساتی درگیر ایدئولوژی‌اند.

«غاده‌السمان شاعر غریزه است، غریزه‌ای به جان آمده؛ غریزه‌ای که حداکثر فشار را تحمل کرده و دیگر هنگام از هم گسستن آن است. غریزه زن عرب که از پس دیوارهای ستبر و کهنه قرون، فریاد برمی‌آورد و اظهار وجود می‌کند. غریزه‌ای که به وجود حقیقی دست یافته، به باور خود نشسته است و برای نخستین بار صدای خودش را می‌شنود. صدایی که هرگز فرصت نداشت آن را از حنجره بگذراند، بر لب بلغزاند و به آوا بدل کند تا بتواند بشنود و بشنوند. غاده‌السمان زنی شاعر است، با هویت زنانه، که از سوی خود او به رسمیت شناخته شده است.» (السمان، ۱۳۵۸: ۱۲)

شعر این بانوی عرب، همواره خواننده را با حادثه‌ای پیش‌بینی نشده در کلام و بیان روبه‌رو می‌کند. غاده‌السمان سال‌های پر آشوب بیروت را با تمام وجود لمس کرده است و قسمت وسیعی از اشعارش مملو از خاطرات این تراژدی هول‌ناک است:

می‌روی نان بخری /

چون باز می‌گردی / دندان‌هایت را گم کرده‌ای /

می‌روی آب بیاوری /

چون باز می‌گردی / تو را با امعانت دار زده‌اند /

می‌روی سیب بخری /

چون با سیب باز می‌گردی زنت را گم می‌کنی /

واو را پاره‌پاره پشت سر می‌گذاری... (السمان، ۱۳۸۵: ۱۳)

گرایش‌های زنانه در آثار غاده‌السمان

در اشعار غاده‌السمان، برای نخستین بار شاهد مطرح شدن زنان و گرایش‌های زنانه توسط یک زن هستیم. اشعاری زنانه از ذهن، زبان و زاویه دید یک زن شاعر که می‌تواند با بیان سرنوشت زنان به وسیله یک مرد شاعر بسیار متفاوت باشد. از این منظر، غاده‌السمان در میان زنان شاعر جایگاهی ویژه دارد؛ او مانند یک ساقه لطیف بابونه از میان تپه‌های سترگ رجولیت عربی، به آفتاب گرم «وطن‌العربی» لبخند می‌زند و با فریادهای معصومانه‌اش نور و خاک را می‌خواند. او هویت زنانه خویش را به رسمیت شناخته است.

غاده‌السمان از معدود زنانی است که از مسائل زن عرب بسیار آگاه است و با تمام وجود خود را در اشعارش به خواننده نشان می‌دهد. «شعر غاده‌السمان، صدای طبیعی زن عرب

است که از فراسوی فریاد اشتران، چکاچاک شمشیرهای قبیله‌ای، طنین طلاهای باد آورده، دکل‌های چاه‌های نفت، آتش و خون فلسطین و جنوب لبنان، و از خاکستر بیروت سوخته به گوش می‌رسد. این فریاد نه از حنجره زن است و نه مرد؛ فریاد انسان عربی است که تاریخ یک چشم، او را به دو پاره کرده بود؛ نیمی را بر کشیده، و نیمی را در ریگستان‌های غیرت قبیله‌ای زنده به گور ساخته بود.» (السمان، ۱۳۵۸: ۱۸)

از مهم‌ترین درون‌مایه‌های شعر زنان عرب، جسارت زنانه و توجه به زن به عنوان یک انسان است. از ویژگی‌های مهم اشعار غاده‌السمان می‌توان به جسارت زنانه او اشاره کرد که در سرزمین عرب، که فرهنگی بسته دارد، توانسته است احساسات درونی خود را با درون‌مایه‌های سیاسی و افشاکنده در قالب شعر روایت کند. زن در عربستان هم‌چون صدفی بسته است که رازی دارد و کم‌تر به بیان آن همت می‌گمارد اما غاده‌السمان و شعرهایش این راز را افشا می‌کنند:

زنی عاشق که با جغد در پرواز است

در خانه زن شرقی /

الفبا می‌میرد / در قربان‌گاه روز مرگی‌های حقیر... /

آیا ظرف‌های نقره را / برق انداخته‌ای / به جای حروف الفبا؟ /

آیا فرش‌ها و پشته‌ها را / گردگیری کرده‌ای /

و گذاشته‌ای که مژگان سرمه کشیده‌ات را / غبار آلوده کنند؟ /

مهمانان کی می‌آیند؟ /

با عجله به مرغدانی برو / درون بیهودگی /

آیا سیب‌زمینی‌ها را / سرخ کرده‌ای /

روی اجاق / و حروف را خرد کرده‌ای؟ /

آیا آن پیراهن مخملت را / می‌پوشی /

همان لباس دیوانه‌ها را؟ /

آیا برای نقاب‌های کارنوال / تملق می‌گویی؟ /

آیا کفش‌های مهمانان را / با مرکب قلمت / رنگین کرده‌ای /

و خون استعدادت را بیرون کشیده‌ای /

در شبی که آن‌ها در آستانه ترسانندت /

گریه را در حجله کشتند /

آن‌جا مقبره‌ای است / به نام روزمرگی /

که در آن حروف الفبای زن شرقی / دفن می‌شود /

مانند بدنه ماشین‌های درهم شکسته زنگ زده / که همواره

رویای باد و دور دست‌ها و شهوت افق را می‌بیند... / هر شب،

قصه می‌گویم / برای پنجره‌ای در افق فلزی مقبره / آرام از آن

بالا می‌روم / و گریزان، به جنگل می‌جهم /

تا بال‌هایم را بگسترانم /

پیش از آن‌که زنگار و بید / آن‌ها را بخورند / و با جغد دهشت /

به سرزمین رازها پرواز می‌کنم /

به دروازه مقبره‌های حروف /

در دهلیز قربان‌گاه غم‌های شرقی (السمان، ۱۳۸۴: ۵۸-۵۷)

آدمم که بنویسم

... / کاغذ، سفید

بود، / به سفیدی

مطلق یاسمن‌ها /

پاک، چونان

برف / که حتی

گنجشک بر

آن راه نرفته

بود، / با خود

پیمان بستم که

آن را نیالیم

... / یکبار روز

بعد دزدانه به

سراغش رفتم /

برایم نوشته

بود: ای زن ابله /

مرا بیالای تا

زنده شوم و

بیفروزم، / و به

سوی چشم‌ها

پرواز کنم / و

باشم... / من

نمی‌خواهم برگ

کاغذی باشم /

دوشیزه و در

خانه مانده!

در نوشته‌های

غاده‌السمان، زن از

دست خود، هراس‌ها

و جهلش نسبت به

حقوقی که سال‌ها از

او دریغ کرده‌اند، آزاد

شده است و اینک

می‌تواند تصمیم‌گیری

کند

در نگاهی دیگر، خانم غاده‌السمان از جمله شاعران متعهدی است که روشن‌فکرانه مشکلات امروز جهان عرب را با مسائل مربوط به زنان و مردان جامعه‌اش بررسی می‌کند: او آزادی را از نوع غربی برای زن عرب نمی‌پذیرد و مانند نزار قبانی^۹ آزادی را در حق مسئولیت و انتخاب می‌داند و آزادی زن را در انتخاب عقیده و اندیشه و شکل زندگی می‌بیند. او با شجاعتی خردمندانه، با غربی کردن خرافات میراثی مخالف است.

«غربی‌ها با سوق دادن به سوی شبه آزادی و عدم مسئولیت، کوشیدند زنان و مبارزات آنان را به سوی دیگر منحرف کنند. اکنون زن غربی واقعا نمی‌داند با این آزادی مطلق، که در حقیقت جبر و سرگردانی است، چه کند؛ زیرا به نوعی دیگر خود را جنس دوم و گرفتار در دست همان خرافه‌های گذشته می‌داند، البته از نوع مدرنش و سرانجام احساس می‌کند که آن چه در طلبش بوده است، نه تنها هرگز به دست نیامده بلکه در آشفته بازار شهوت سالاری، بازی را باخته است.»
(السمان، ۱۳۸۵: ۱۸)

غاده‌السمان در اشعار و قصه‌های خود، آزادی را در حق انتخاب می‌داند؛ حتی اگر این انتخاب، انتخاب قید و بند باشد. او به سنت‌های جامعه عرب اعتراض می‌کند و تقابل سنت و مدرنیته در اشعار او دیده می‌شود:

نه! نمی‌خواهم تنها ژنی باشم/
سرگردان/ در میان سلول‌های نیاکانم/
که جز خصیصه‌های میراثی آنان/
چیزی با خود نداشته باشم/
و هرگز از نخستین بذر خویش/ دست برندارم/
و نیاکانم را رها نکنم/
هم بدین حقیقت/
که آنان در وجود و سلول‌ها و خونم حضور دارند/
نمی‌خواهم ... اما/ بدین شرط که هستی‌ام پیش از هر چیز/
بوده باشد ... / و زندگانی‌ام/ تکرار آنان نه/
که آفرینشی از آن خویشتن خویشم باشد
(السمان، ۱۳۸۶: ۴۱-۴۰)

غاده‌السمان همواره در برابر آزادی از نوع آمریکایی، که مرد را دشمن می‌بیند، ایستاده است و خواهان تکامل زن است نه برابری زن و مرد. او سعی می‌کند در چاه افراط و تفریط سقوط نکند و آرام و پیوسته به سمت آزادی زن پیش می‌رود. غاده معتقد است که زن جاهل، با مرد جاهل، و زن دانا با مرد دانا برابر است. او مأموریت متحول کردن وضع زن و آزادی او را مأموریتی صرفاً مردانه و زنانه نمی‌بیند:
«و نیز معتقدم که مأموریت متحول کردن وضع زن



و آزادی او، مأموریتی صرفاً مردانه یا زنانه نیست؛ زیرا وطن نمی‌تواند بلند شود در حالی که نیمی از بدن او لمس و فلج باشد. همان‌طور که گنجشک نمی‌تواند با یک بال بپرد. ما در گذرگاه تحول از کشورهای بسیاری پیشی گرفته‌ایم اما ما اعراب در برخی از ابعاد زندگی خود در قرون وسطا زندگی می‌کنیم؛ در حالی که جهان در آستانهٔ قرن بیست و یکم است.»

(السمان، ۱۳۸۵: ۲۱)

وی به عنوان زنی روشن‌فکر از سرزمین عرب، آزادی را که در جامعهٔ مرد سالارانه از نوع غربی به زن داده می‌شود، نمی‌پذیرد. او انتقام‌جویی را در نظام پدر سالارانه علیه مرد قبول نمی‌کند و معتقد است که مرد دشمن نیست و می‌گوید: «من بیش‌ترین غزل‌ها و اشعار تمرآمیزم را دربارهٔ مرد سروده‌ام.» (السمان، ۱۳۸۵: ۲۰)

غاده، مرد را به تنهایی عامل دست‌نیافتن زن به حقوق خود نمی‌داند و معتقد است که عقب‌ماندگی زن نه تنها به زن عرب بلکه به مرد عرب هم ستم روا می‌دارد و راه‌حل، هم قسم شدن و اتحاد این دو است نه اعلان جنگ علیه مردها: «زیرا آزادی زن جزئی از آزادی جامعه به عنوان یک کل است.» (همان، ۱۳۸۵: ۲۱)

عشق و زنانگی را در مجموعهٔ «زنی عاشق در میان دوات»، که منتخبی از شعرهای عاشقانهٔ غاده است، می‌توان دید. او مشکلات خاص را همراه با عشق روایت کرده است:

زنی عاشق ورق‌های سپید

آدمم که بنویسم ... / کاغذ، سفید بود،

به سفیدی مطلق یاسمن‌ها/ پاک، چونان برف/

که حتی گنجشک بر آن راه نرفته بود/

با خود پیمان بستم که آن را نیالایم .../

پگاه روز بعد دزدانه به سراغش رفتم/

برایم نوشته بود: ای زن ابله/

مرا بیالای تا زنده شوم و بیفروزم،/

و به سوی چشم‌ها پرواز کنم/ و باشم .../

من نمی‌خواهم برگ کاغذی باشم/

دوشیزه و در خانه مانده! ...

(السمان، ۱۳۸۴: ۶۹)

پایان سخن

در دنیای غاده‌السمان، اسطوره‌ها واقعی‌اند؛ زیرا او در شعرهایش از واقعیت‌های پیرامونش وام می‌گیرد. او به عنوان یک روشن‌فکر عرب اندیشه‌های فلسفی‌اش را با آگاهی کامل در شعر پیاده کرده است و می‌خواهد با حضور خود به عنوان شاعر و نویسنده، محوریتی اجتماعی پیدا کند و از این جایگاه حرف‌ها و دردهایش را به گوش جهانیان برساند.

غاده زنی است با ابعاد شعری گسترده؛ او خاطرات تلخ

روزهای نبرد لبنان را به خاطر دارد و کلماتش آبیستن است از تراژدی هول‌ناک زنانگی در جنگ. شعر غاده زنانه است و سرشار از رشادت و شهامت ساده اما ژرف؛ آن‌جا که خلخال پای زن عرب را میراث غارت‌گر او می‌داند. در اشعار و داستان‌های غاده‌السمان می‌توان سیمای ادبیات امروز عرب را دید و به آن پی برد.

بی‌شک هنرمندان متعدّد، عاشق‌ترین انسان‌هایی هستند که گنج‌گران بهای زندگی را ارج می‌نهند و نه به خود، نه به انسان‌های دیگر و نه به طبیعت هیچ‌گونه آسیبی نمی‌رسانند.

پی‌نوشت

۱. شاعر زن در یونان باستان

۲. شاعر زن در یونان باستان - نمونه‌ای از شعر وی:

اگر دل تو جولان‌گاه هوس ناپاک نیست

و اگر دهانت با دروغ‌زنی سروکاری ندارد

با دیدهٔ پاک‌بین و بی‌گلگونی آزر

به من می‌توانی نزدیک شد. (السمان، ۱۳۸۵: ۷)

۳. بزرگ‌ترین شاعر کلاسیک معاصر عرب از عراق

۴. نویسندهٔ انقلابی فلسطینی

۵. مستشرق روسی و مترجم آثار غاده‌السمان

۶. شاعر و نویسنده به زبان عربی و انگلیسی متولد ۱۹۲۸ میلادی

در شرق اردن

۷. نقاد و متفکر مصری

۸. در دورهٔ رنسانس، انسان‌گرایی (Humanism) مورد توجه خاص

قرار گرفت. طرفداران این نظریه به مسائل انسانی بیش از هر مسئلهٔ

دیگری توجه می‌کردند.

۹. شاعر معاصر سوری و یکی از شاعران رمانتیک عرب که پس از

حملهٔ رژیم اشغال‌گر قدس به اعراب و اشغال فلسطین ناگهان تغییر

رویه داد و به سرودن اشعار وطنی و انقلابی دربارهٔ انتفاضهٔ مردم

فلسطین پرداخت.

منابع

۱. السمان، غاده؛ ابدیت لحظهٔ عشق، عبدالحسین فرزاد، چاپ دوم،

تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۶.

۲. السمان، غاده؛ در بند کردن رنگین کمان، عبدالحسین فرزاد، چاپ

چهارم، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۵.

۳. السمان، غاده؛ زنی عاشق در میان دوات، عبدالحسین فرزاد، چاپ

دوم، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۴.

۴. السمان، غاده؛ غم‌نامه‌ای برای یاسمن‌ها، عبدالحسین فرزاد، چاپ

دوم، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۵.

۵. فرزاد، عبدالحسین؛ رویا و کابوس، چاپ دوم، تهران، انتشارات

مرورید، ۱۳۸۳.

۶. قیبانی، نزار؛ شعر، زن و انقلاب، عبدالحسین فرزاد، چاپ اول، تهران،

انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.

مجلات:

۱. فرزاد، عبدالحسین؛ مروری بر داستان‌نویسی معاصر عرب، سمرقند،

سال پنجم، بهار ۱۳۸۶، ص ۲۳.

غاده‌السمان،
در معنای دقیق
کلمه شاعر و
نویسنده‌ای
روشن‌فکر
است. وی
از مشکلات
جهان امروز
عرب، مسئلهٔ
فلسطین
زن عرب،
استعمارنودر
جهان سوم و
همهٔ تحولات
جدید، درکی
ژرف و صحیح
دارد